

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)

.....  
(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)

.....  
(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزِلَّ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)

(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)

(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم)

(یا به جهل کشیده شوم)



# جلسه ی اول

(هدایت از منظر قرآن کریم)

# (سخن آغازین)

تمامی انسانها، در سیر زندگی خویش،  
در هر مسیری که آن را طی می‌کنند،  
و در هر هدفی که در نظر می‌گیرند:

---

در جستجوی (سعادت) هستند.

هر مذهب و مکتب و اندیشه و رویکردی،  
از (سعادت) تعریفی دارد،  
و برای دسترسی به آن،  
مسیر و هدفی را معرفی می‌کند.

این تعریف از **(سعادت)**، و نحوه‌ی دسترسی به آن،  
**(هدایت)** نامیده می‌شود.

---

پس هر مذهب و مکتب و اندیشه و رویکردی،  
برای **(هدایت)** انسان،  
تعریفی دارد و برای دسترسی به امر **(هدایت)**،  
مسیر و هدفی را معرفی می‌کند.



قرآن کریم نیز،  
خود را (کتاب هدایت) معرفی می کند،  
و برای دسترسی به امر (هدایت)،  
مسیر و هدفی را معرفی می کند.

---

(شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ)  
(هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ)

(سوره بقره، آیه ۱۸۵)

ما در سلسله مباحث آینده،  
به دنبال بررسی  
(هدایت از منظر قرآن کریم) هستیم.

---

برای ورود به این بحث،  
ابتدا سه مقدمه را به شما تقدیم می‌کنیم.

مقدمه‌ی اول  
(ماه رمضان بهار قرآن کریم)

در کتاب شریف (الکافی ط - دارالحدیث، ج ۴، ص: ۶۶۴)،  
در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:  
(بِكُلِّ شَيْءٍ رَبِيعٌ، وَ رَبِيعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ)

هر چیز بهاری دارد، و بهار قرآن (ماه رمضان) است.

امام سجاد علیه السلام

در دعای داخل شدن در (ماه رمضان)  
به خداوند عرضه می‌دارند:

-----  
(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ... سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ)  
(لِنَسْلُكَهَا مِنْهُ إِلَى رِضْوَانِهِ)

(الْحَمْدُ لِلَّهِ)

حمد از آن الله است،

---

(الَّذِي ... سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ)

همان که ما را،

در مسیرهای احسانش سیر داد.

(لِنَسْلُكَهَا بِمَنْهٖ اِلَى رِضْوَانِهٖ)

---

تا با طی کردن این مسیرها،  
(که از آن هم از منت اوست)،  
به سوی (رضوان) او سیر کنیم.

---

(رضوان = رضایت فراوان)

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ)  
(شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ)

---

حمد از آنِ الله است، همان که:  
(ماه خویش، ماه رمضان) را یکی از این مسیرها،  
(مسیر سیر به سوی رضوان خود) قرار داد.



(شَهْرَ الصِّيَامِ، وَ شَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَ شَهْرَ الطَّهْوَرِ)  
(وَ شَهْرَ التَّمْحِيصِ، وَ شَهْرَ الْقِيَامِ)

---

(ماه رمضان) ماه روزه،

ماه اسلام ( یا ماه تسلیم در برابر اوامر الهی)

ماه پاکیزگی،

ماه خالص شدن از عیوب و آلودگی‌ها،

و ماه شب زنده‌داری است.

مقدمه‌ی دوم:

توصیف قرآن

(در بیان امیرالمؤمنین علیه السلام)

امیرالمؤمنین علیه السلام در بخشی از خطبه‌ی ۱۷۶ نهج  
البلاغه در توصیف قرآن می‌فرمایند:

-----  
(وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ، هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغُشُّ)  
-----

بدانید این قرآن،  
پند دهنده‌ای است که هرگز کسی را نمی‌فریبد.

(وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ)

و هدایتگری است که:  
هیچ گاه گمراه نمی سازد.

(وَ الْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ)

و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی گوید.

(وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ)  
(إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ)

هیچ کس در کنار این قرآن ننشسته جز این که:  
از کنار آن با زیاده یا نقصانی برخاسته است،

(زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمِّي)

زیادتی در هدایت یا نقصانی از کور دلی.

(وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ)

و بدانید هیچ کس با داشتن قرآن،  
فقر و بیچارگی ندارد.

(وَ لَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى)

و هیچ کس بدون آن غنا و بی نیازی نخواهد داشت.

(فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ)

پس برای درمان بیماری‌های خود از قرآن شفا بطلبید،

(وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَىٰ لِأْوَانِكُمْ)

و برای پیروزی بر شداید و مشکلات از آن یاری بجوید.

(لأوی) از ماده (لأی) (بر وزن سعی) به معنای تنگی و شدت و محنت و ناراحتی و سختی طاقت فرسا گرفته شده است.

## (فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ)

چرا که در قرآن شفای سخت‌ترین بیماری‌ها،

## (وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْغَيُّ وَ الضَّلَالُ)

یعنی کفر و نفاق و جهل و گمراهی است.

(غی) به معنای کار جاهلانه و یا به تعبیر راغب در مفردات به معنای

جهل و نادانی است که از اعتقاد فاسد سرچشمه می‌گیرد.

(التحقیق): أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ مَا يُقَابِلُ الرَّشِدَ، وَ الرَّشِدُ هُوَ

الدَّلَالَةُ إِلَى الْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، فَيَكُونُ الْغَيُّ هُوَ الْهُدَايَةَ إِلَى شَرٍّ وَ فُسَادٍ.



**(فَاسْأَلُوا اللَّهَ بِهِ وَتَوَجَّهُوا إِلَيْهِ بِحُبِّهِ)**

(حاجاتتان) به وسیله قرآن از خدا بخواهید؛  
و با محبت قرآن به سوی خدا روی آورید؛

**(وَ لَا تَسْأَلُوا بِهِ خَلْقَهُ إِنَّهُ مَا تَوَجَّهَ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِثْلِهِ)**

و هرگز به وسیله آن از مخلوقات او چیزی نخواهید؛  
زیرا بندگان به چیزی مانند آن به خدا تقرّب نجسته‌اند.

(وَاعْلَمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ مُّشَفَّعٌ وَ قَائِلٌ مُّصَدِّقٌ)

بدانید قرآن، شفاعت کننده‌ای است که:  
شفاعتش مورد قبول است،  
و گوینده‌ای است که سخنش تصدیق شده است.

(وَ أَنَّهُ مَن شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُفِعَ فِيهِ)

و هرکس که قرآن در روز قیامت برای او شفاعت کند،  
مشمول شفاعت می‌شود.

(وَ مَن مَحَلَّ بِهِ الْقُرْآنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُدِّقَ عَلَيْهِ)

و آن‌کس که قرآن در قیامت از وی شکایت کند،  
گواهی‌اش بر ضد او پذیرفته خواهد شد.

(فَإِنَّهُ يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)  
(أَلَا إِنَّ كُلَّ حَارِثٍ مُبْتَلَىٰ فِي حَرْثِهِ وَ عَاقِبَةِ عَمَلِهِ غَيْرَ حَرْثَةِ الْقُرْآنِ)

روز قیامت، منادی صدا می‌زند: آگاه باشید!  
امروز هرکس گرفتار بذری که افشاند و در گرو عاقبت اعمال  
خویش است؛ جز آنان که بذر قرآن افشاندند.

(فَكُونُوا مِنْ حَرْثِهِ وَ أَتْبَاعِهِ)

پس شما هم از بذر افشانان قرآن و پیروان آن باشید.

(وَ اسْتَدِلُّوهُ عَلَى رَبِّكُمْ وَ اسْتَنْصِحُوهُ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ)

پروردگارتان را با قرآن بشناسید،  
و خویشان را با آن اندرز دهید.

(وَ اتَّهَمُوا عَلَيْهِ آرَاءَكُمْ وَ اسْتَعْشُوا فِيهِ أَهْوَاءَكُمْ)

(و هرگاه نظر شما بر خلاف قرآن بود)  
در برابر قرآن، آرای خود را متهم کنید،  
و خواسته‌های خویش را در برابر آن نادرست بشمارید.

پایان بیانِ (امیرالمؤمنین علیه السلام)  
در توصیف قرآن

مقدمه‌ی سوم:  
قرآن کریم، (کتاب هدایت)

بر اساس بیان امام باقر علیه السلام،  
(بهار قرآن ماه رمضان است)

---

این بیان نورانی بیانگر این مطلب است که:  
(ماه رمضان) ویژگی دارد که:  
موجب رونق دریافتهای قرآن می‌شود.



و بر اساس بیان امیرالمؤمنین علیه السلام،  
قرآن کریم هدایتگری است که:  
هیچ‌گاه گمراه نمی‌سازد.

-----  
(وَالْهُدَىٰ الَّذِي لَا يُضِلُّ)

و به نظر می‌رسد که:

---

هدف اصلی قرآن کریم  
(هدایت) است.

(قرآن کریم کتاب هدایت است)

و ماه رمضان ماه نزول (کتاب هدایت) است.

---

(شَهْرُ رَمَازَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ)

(هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ)

(سوره بقره، آیه ۱۸۵)

(شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ)

ماه رمضان ماهی است که:

قرآن در آن نازل شده است؛ قرآنی که:

---

(هُدًى لِلنَّاسِ)

هدایت کننده‌ی مردم است.

## (وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ)

---

قرآنی که دارای  
(بینات / دلایل روشن و آشکار از هدایت است)

---

(بیناتی) که:  
(فرقان / تمیز دهنده‌ی حق از باطل) است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله،  
در توصیف قرآن کریم می‌فرمایند:

(فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ)  
(كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ)

(زمانی که فتنه‌ها همچوت شبهای ظلمانی)  
(حق را از شما پنهان می‌کنند به قرآن پناه ببرید)

(وَمَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ)  
(وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ)

---

(کسی که قرآن را پیشوای خود قرار دهد)  
(قرآن او را به جنت راهنمایی می‌کند)  
(و کسی که قرآن را پشت سر اندازد)  
(این عمل او را به سوی آتش می‌کشاند)

امیرالمؤمنین علیه السلام،  
در توصیف هدایت قرآن کریم می‌فرمایند:

(فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ)  
(مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ)

خداوند سبحان،  
(در کتابش برای مردم تجلی کرده است)  
(بدون اینکه او را دیده باشند)



سپس درباره‌ی نحوه‌ی این تجلی، می‌فرمایند:

فَأَرَاهُمْ حِلْمَهُ كَيْفَ حَلَمَ  
وَ أَرَاهُمْ عَفْوَهُ كَيْفَ عَفَا

به آنان حلم و عفو خویش را فهمانده،  
و نشان داده که چگونه خویش‌تنداری می‌کند؛  
و چگونه عفو می‌کند.

(وَ أَرَاهُمْ قُدْرَتَهُ كَيْفَ قَدَرَ)  
(وَ خَوَّفَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ)

---

به آنان قدرت خویش را نشان داده،  
و آنان را از قهر و غلبه‌ی خویش،  
برحذر داشته است.

(وَ كَيْفَ خَلَقَ مَا خَلَقَ مِنَ الْآيَاتِ)

به آنان کیفیت خلق آیات را  
نشان داده است.

(وَ كَيْفَ مَحَقَّ مَنْ مَحَقَّ مِنَ الْعُصَاةِ بِالْمَثَلَاتِ)  
(وَ اِحْتَصَدَ مَنْ اِحْتَصَدَ بِالنِّقَمَاتِ)

---

به آنان نشان داده که چگونه به تدریج،  
گردنکشان را با عقوبتها محو کرده است،  
و با عذابها آنان را  
همچون علف هرز درو کرده است.

## (وَ كَيْفَ رَزَقَ وَ هَدَى وَ أَعْطَى)

به آنان نشان داده که چگونه،  
رزق داده است؛  
هدایت کرده است؛  
و عطا و بخشش نموده است.

(وَ أَرَاهُمْ حُكْمَهُ كَيْفَ حَكَمَ وَ صَبَرَ)

نحوه‌ی حکم کردن خویش را  
به آنان نشان داده که چگونه،  
حکم کرده صبر نموده است.

## (حَتَّى يَسْمَعَ مَا يَسْمَعُ وَ يَرَى)

شاید معنای این عبارت پایانی این باشد که:  
خداوند بعد از تمامی این زمینه‌هایی که برای  
هدایت در قرآن فراهم آورده است؛  
در جایگاه شنیدن و نظر کردن به رفتار مخاطبان،  
در قبال این دستورالعمل هدایت،  
قرار گرفته است.

## (حَتَّى يَسْمَعَ مَا يَسْمَعُ وَ يَرَى)

او در انتظار است تا؛  
عملا بشنود آنچه را که  
بدون سخن گفتن ما هم می‌تواند بشنود؛  
و ببیند که ما در قبال این دستورالعمل هدایت،  
چه رفتاری می‌کنیم.



ما از فرصت استثنایی این ماه مبارک بهره برده،  
و در جلسات آینده، مبحث مهمی را تحت عنوان

**(هدایت از منظر قرآن کریم)**

به شما تقدیم می‌کنیم.

پایان جلسه ی اول  
(هدایت از منظر قرآن کریم)

(توسلی به حضرت صاحب الأمر)

امروز، امیر در میخانه، تویی تو  
فریادرس این دل دیوانه، تویی تو  
مرغ دل ما را که به کس، رام نگردد  
آرام تویی، دام تویی دانه تویی تو  
آن مهر درخشان که به هر صبح بتابد  
از روزن این خانه به کاشانه، تویی تو  
آن ورد که زاهد به همه شام و سحرگاه  
بشمارد با سُبْحهِی صد دانه، تویی تو  
آن باده که شاهد به خرابات مغان نیز  
پیمود به جام و خم و می خانه، تویی تو

آن غُل که ز زنجیرِ سرِ زلف نهادند  
بر پای دل عاقل و دیوانه، تویی تو  
ویرانه بُود هر دو جهان نزد خردمند  
گنجی که نهان است به ویرانه، تویی تو  
در کعبه و بت‌خانه بگشتیم بسی ما  
دیدیم که در کعبه و بت‌خانه، تویی تو  
بسیار بگوئیم و چه بسیار بگفتیم  
کس نیست به غیر از تو در این خانه تویی تو  
یک همّت مردانه در این کاخ ندیدیم  
آن را که بُود همّت مردانه، تویی تو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)

.....  
(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)

.....  
(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَّ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)

(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)

(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم)

(یا به جهل کشیده شوم)





# جلسه‌ی دوم

(هدایت از منظر قرآن کریم)

# (آنچه گذشت)

در جلسه‌ی گذشته گفتیم:

---

هر مذهب و مکتب و اندیشه و رویکردی،  
برای **(هدایت)** انسان،  
تعریفی دارد و برای دسترسی به امر **(هدایت)**،  
مسیر و هدفی را معرفی می‌کند.

قرآن کریم نیز،  
خود را **(کتاب هدایت)** معرفی می‌کند،  
و برای دسترسی به امر **(هدایت)**،  
مسیر و هدفی را معرفی می‌کند.

(قرآن کریم کتاب هدایت است)

و ماه رمضان،

ماه نزول کتاب هدایت است.

---

(شَهْرُ رَمَازَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ)  
(هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ)

(سوره بقره، آیه ۱۸۵)

## (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ)

---

و ماه رمضان ماهی است که:  
قرآن در آن نازل شده است؛

---

قرآنی که (هُدًى لِلنَّاسِ)  
هدایت کنندهی مردم است.

## (وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ)

---

قرآنی که دارای  
(بینات / دلایل روشن و آشکار از هدایت است)

---

(بیناتی) که:  
(فرقان / تمیز دهنده‌ی حق از باطل) است.

امیرالمؤمنین علیه السلام،

در توصیف هدایت قرآن کریم می‌فرمایند:

(فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ)  
(مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ)

خداوند سبحان،

(در کتابش برای مردم تجلی کرده است)  
(بدون اینکه او را دیده باشند)



خداوند بعد از تمامی این زمینه‌هایی که برای  
هدایت در قرآن فراهم آورده است؛

---

در جایگاه شنیدن و نظر کردن به رفتار مخاطبان،  
در قبال این دستورالعمل هدایت،  
قرار گرفته است.

او در انتظار است تا؛  
عملا بشنود آنچه را که:

---

بدون سخن گفتن ما هم می‌تواند بشنود؛  
و ببیند که ما در قبال این دستورالعمل هدایت،  
چه رفتاری می‌کنیم.

# (ادامه‌ی سخن)

# نگاهی به (نحوه‌ی هدایت قرآن کریم)

با مراجعه به آیات قرآن کریم،  
درمی یابیم که این کتاب شریف،  
از طرفی خود را **(هدایتگر عموم مردم)**  
معرفی می کند:

---

**(هُدًى لِلنَّاسِ)**

هدایت کننده ی **(ناس / عموم مردم)**

از طرفی دیگر بیان می کند که:  
این کتاب، (هدایتگر متقین) است:

---

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ)

(سوره بقره، آیه ۲)

# طرح یک سؤال

چه تفاوتی بین

(هدایت عموم مردم / هُدَى لِلنَّاسِ)

و (هدایت متقین / هُدَى لِّلْمُتَّقِينَ) وجود دارد؟

---

به بیان دیگر، چرا در یک مورد، قرآن کریم،  
خود را (هدایتگر عموم مردم) معرفی می‌کند؛  
و در مورد دیگر بیان می‌کند که:  
این کتاب (هدایتگر متقین) است؟



پاسخ

همانطور که گفتیم، قرآن کریم،  
خود را (هدایتگر عموم مردم / هُدَى لِلنَّاسِ)  
معرفی می‌کند:

---

(هُدَى لِلنَّاسِ) به این معنا است که:  
هدف این کتاب،  
هدایت (ناس / عموم مردم) است.

قرآن کریم،

اختصاص به گروهی خاص از انسانها ندارد؛  
و برای این آمده و توانایی این را دارد که:

---

(عموم مردم) را هدایت کند.

قرآن کریم (هُدًى لِلنَّاسِ) است؛  
اما (عموم مردم)، برای این که،  
بتوانند از این هدایت بهرمنند شوند لازم است:

---

(اقدامی کنند و مسیری را طی کنند)  
(و دارای خصوصیتی باشند)

این اقدام،  
یا طی مسیر یا خصوصیت،  
(تقوا) نام دارد:

---

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ)

(هُدًى لِلْمُتَّقِينَ) یعنی:

کسی که دارای صفت (تقوا) است،  
از هدایت قرآن بهرمنده می‌شود.

---

در نتیجه، چالش اساسی این است که:  
(تقوا) چیست و (متقی) کیست؟

آیات بعدی سوره‌ی مبارکه بقره،  
پاسخ این پرسش را بیان می‌کنند که:

---

(تقوا) چیست؟

و (متقی) کیست؟

اولین و اساسی‌ترین خصوصیت (متقی)،  
که سایر خصوصیتها،  
نتیجه‌ی این خصوصیت است،  
(ایمان به غیب) است:

---

(الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ)



# ایمان به غیب شرط اصلی هدایت

اولین و اساسی‌ترین خصوصیت (متقی)،  
(ایمان به غیب) است.

---

حال چالش بعدی این است که:  
مقصود از (ایمان به غیب) چیست؟  
و (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) به چه معنا است؟

کلمه‌ی (غیب) در مقابل کلمه‌ی (شهادت)  
و (غایب) در مقابل (حاضر) است.

---

در زبان عربی،  
کلمه‌ای که از (غایب) سخن می‌گوید،  
(ضمیر غایب / هُوَ) نام دارد.

قرآن کریم،  
زمانی که می خواهد،  
(ضمیر غایب / هُوَ) را معرفی کند،  
می فرماید:

---

(هُوَ اللَّهُ)

و اگر سوال کنیم (الله) کیست؟  
پاسخ این است که:

---

تمامی قرآن کریم،  
شرح حقیقت (الله) است.

(متقی) از هدایت قرآن بهرمنند می‌شود.  
و اولین و اساسی‌ترین خصوصیت (متقی)،  
(ایمان به غیب) است.

---

مقصود از (ایمان به غیب)،  
ایمان به حقیقتی به نام (الله) است.

---

و (متقی) کسی است که به (الله) ایمان دارد.

نتیجه‌ی این گفتار این است:

---

کسی از هدایت قرآن بهرمنده می‌شود،  
که به حقیقتی به نام **(الله)** ایمان دارد.

---

و تمامی قرآن کریم،  
شرح حقیقت **(الله)** است.

# یک تأمل و بازنگری



گفتیم (متقی) به (غیب)،  
یعنی به حقیقتی به نام (الله) ایمان دارد.

---

در نتیجه:

(متقی) از هدایت قرآن بهرمنده می‌شود.

---

آیا شنیدن این جملات برای شما دسترسی دارد؟

آیا با شنیدن این که **(متقی)** به **(غیب)**،  
یعنی به حقیقتی به نام **(الله)** ایمان دارد.  
در نتیجه از هدایت قرآن بهرمنند می‌شود؟

---

برای شما هم،  
دسترسی به هدایت قرآن ایجاد می‌شود؟

یا اینکه فقط، جملاتی گزارش گونه  
از احوال (متقی) می شنوید،  
بدون اینکه برای شما راهی باز شود؟

---

اگر اینطور است،  
به ادامه ی بحث توجه کنید؟

برای آزاد شدن نیروی این آیهی شریفه:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ  
(الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ)

لازم است به برخی از کلمات این آیه،  
که حکم (کلید واژه) را دارند توجه کنیم.

# تحليل كلمه ي تقوا

(تقوا)،

از مصدر (وقایه) و ریشه‌ی (وقی)،

در اصل (وَقُوْی) بوده که:

(واو) آن به (تاء) تبدیل شده است.

---

(تقوا)، در لغت به معنای

(حفظ کردن و نگاه داشتن از بدی و گزند است)

مرحوم علامه‌ی طباطبایی در ذیل آیه‌ی:

**(وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى)**

**(در برّ و تقوا یکدیگر را یاری کنید)**

می‌فرمایند:

---

**(تقوا)**

**(مراقبت از امر و نهی الهی است)**

درباره‌ی معنای واژه‌ی **(تقوا)**؛  
کاربردهای دیگری هم ذکر شده و در هر حوزه‌ای  
معنایی از آن گفته شده است؛  
اما به نظر می‌رسد معنای جامعی که در تمامی  
استعمالات به چشم می‌خورد، این معنا است:

---

**(مُرَاقِبَه)**



با توجه به این که واژه‌ی (تقوا)،  
به معنای (مراقبه) است؛

---

(متقی) کسی است که:  
(اهل مراقبه است)

اولین خصوصیت کسی که:

(اهل مراقبه است)،

(یافتن غیب و ایمان آوردن به آن است)

---

(متقی) در اثر (مراقبه)،

به (غیب) یعنی به حقیقتی به نام (الله)

ایمان می آورد.

و کلید روشن شدن راهی که  
(متقی) طی می کند،  
در شرح حقیقت (الله) است.

---

ادامه‌ی این سخن را  
به جلسه‌ی آینده موكول می کنیم.

**پایان جلسه‌ی دوم**  
(هدایت از منظر قرآن کریم)

(توسلی به علی بن موسی الرضا)

نسیم قدسی یکی گذر کن به بارگاهی که لرزد آنجا  
خلیل را دست ذبیح را دل مسیح را لب کلیم را پا  
نخست نعلین ز پای برکن سپس قدم نه به طور ایمن  
که در فضایش ز صیحه‌ی لَن فتاده بی‌هوش هزار موسی  
ز آستانش ملایک و روح رسانده بر عرش صدای سُبُوح  
به خاک راهش چو شاة مذبوح رُسل به ذلت همی جبین‌سا

نسیم جنت وزان ز کویش شراب تسنیم روان ز جویش  
حیات جاوید دمیده بویش به جسم غلمان به جان حورا  
فلک به گردش پی طوافش ملک به نازش ز اعتکافش  
ز سربلندی ندیده قافش صدای سیمرغ نوای عنقا  
مهین مطاف شه خراسان امین ناموس ضمین عصیان  
سلیل احمد خلیل رحمن علی عالی ولی والا  
بگو که «نیر» در آرزویت کند ز هر گل سراغ بویت  
مگر فشاند پری به کویت چو مرغ جنت به شاخ طوبی